

۳- خلیفه گواه‌های دخت پیامبر را برای اثبات مدعای زهرا کافی دانست و قباله‌ای به نام او تنظیم کرد ولی سپس به اصرار عمر آن را نادیده گرفت.

ابراهیم بن سعید ثقفی در کتاب «الغارات» می‌نویسد: خلیفه پس از اقامه شهود، تصمیم گرفت که فدک را به دخت پیامبر خود باز گرداند. سپس در یک ورقه‌ای از پوست، قباله فدک را به نام فاطمه نوشت، فاطمه از خانه او بیرون آمد، در بین راه با عمر مصادف شد هر از جریان آگاه گردید و قباله را خواست و حضور خلیفه آمد، و به طور اعتراض گفت: فدک را به فاطمه دادی در حالی که علی به نفع خود شهادت می‌دهد و ام‌ایمن زنی بیش نیست سپس

آب‌دهن در نامه انداخت و آن را پاره کرد (۴) این جریان قبل از آن که از سلامت نفس خلیفه حکایت کند؛ از تلون و ضعف نفس او حاکی است و می‌رساند که دستگاه قضائی اسلام ناچه اندازه تابع تمایلات افراد بوده است.

ولی حلی جریان بالا را به صورت دیگر نقل می‌کند و می‌گوید:

خلیفه مالکیت فاطمه را تصدیق نمود. ناگهان عمر وارد شد و گفت نامه چیست وی گفت مالکیت فاطمه را در این ورقه تصدیق نموده‌ام وی گفت تو به در آمد فدک نیازمند هستی زیرا اگر فردا مشرکان عرب بر ضد مسلمانان قیام کردند از کجا هزینه جنگی

برخیزد، و گفتار همگی را صحیح و پایدار بپنداشد و بگوید؛ شهود هر دو طرف صحیح و راست می‌گویند و من شهادت همگی را می‌پذیرم، هم علی و ام‌ایمن راست می‌گویند و هم عمر و ابوهیبه، زیرا فدک که در اختیار زهرا بود؛ ملک پیامبر بود، و از درآمد آنجا زندگی خاندان خود را تأمین می‌کرد، و درآمد اضافی را میان مسلمانان تقسیم می‌نمود. من نیز از روش پیامبر پیروی می‌کنم. دخت پیامبر فرمود: من حاضریم درآمد اضافی آنجا را در مصالح اسلامی صرف نمایم. خلیفه گفت من بجای تو این کار را انجام می‌دهم (۱)

* * *

۲- خلیفه، گواه‌های فاطمه را برای اثبات مدعای وی کافی ندانست و گفت هرگز گواهی یک مرد و یک زن پذیرفته نیست یا باید دو نفر مرد و یا یک مرد و دو زن گواهی دهند (۲) از نظر احادیث شیعه، انتقاد خلیفه از شهود دخت پیامبر گرامی بسیار دردناک است زیرا وی شهادت امام و حسین را از آن نظر که شوهر فاطمه و فرزندان او می‌باشند، پذیرفت و شهادت «ام‌ایمن» را چون کنیز زهرا و اسماء بنت‌همیس را از این جهت که روزگاری همسر جعفر بن ابوطالب بود، مردود دانست و از بازگردانیدن فدک خودداری کرد (۳)

* * *

۱- شرح حدیثی ج ۱۶ ص ۲۱۶

۲- سیره حبیبی ج ۲ ص ۴۰۰ فتوح البلدان ج ۲۳ معجم البلدان ج ۴ ماده فدک

۳- بحار الانوار ج ۸ ص ۱۰۵

۴- شرح حدیثی ج ۱۶ ص ۲۲۴

آنها را نامین خواهی کرد از این جهت نامه را گرفت
و باره نمود. (۱)

در این جا تنظیم پرونده فذک به پایان می رسد
دلایل طرفین و اعترافات آنان منعکس گردید و پرونده
حادثه ای که تقریباً هزار و چهارصد سال از آن می-
گذرد از تو تنظیم شد اکنون باید دید اصول و سنن
داوری اسلام در این حادثه چه نوع قضاوت و داوری
می کند و

* * *

داوری نهائی

داوری نهائی در باره پرونده فذک، موکول به شماره
بعد می باشد و در آینده ثابت خواهیم نمود که باز
داری دخت پیامبر گرامی از فذک حق کشتی بزرگی بود
که تاریخ قضائی اسلام به خاطر دارد.

ولی در این جا نکته ای را یاد آوری می کنیم :
و آن این که: مادر گذشته به دلایل روشن ثابت نمودیم
که پس از نزول آیه «وآت ذالقریبه حقه» (سوره
اسراء آیه ۲۶) پیامبر گرامی فذک را به زهرای خود
بخشید، در این باره علاوه بر مدارک اهل تسنن پیشوایان
پاک شیعه، بر این مطلب تصریح کرده اند؛ و بزرگانی
از محدثان مانند هاشمی، وارثی و سید بهرینی،
احادیث شیعه را در کتابهای خود گرد آورده اند و ما
برای نمونه یک حدیث را یاد آور می شویم.

حضرت صادق می فرماید: هنگامی که آیه
«وآت ذالقریبه» نازل گشت پیامبر از جبرئیل پرسید

مقصود از «ذی القربی» کیست جبرئیل گفت خوبش او ندان
تو در این موقع پیامبر فاطمه و فرزندان او را خواست
و فذک را به آنها بخشید و فرمود خداوند به من دستور
داده است که فذک را برای شما واگذار کنم (۲)

پاسخ يك سؤال:

ممکن است گفته شود که سوره اسراء از سوره-
های مکی است و فذک در سال هفتم هجرت در اختیار
مسلمانان قرار گرفت، چگونه ممکن است آیه ای
که در مکه نازل شده حکم حادثه ای را بیان کند که
چند سال بعد رخ خواهد داد.

پاسخ این سؤال روشن است زیرا مقصود از این
که - سوره ای مکی و یامدنی است این است که اکثر
آیات آن در مکه و مدینه نازل شده است زیرا در بسیاری
از سوره های مکی، آیات مدنی و بالعکس وجود
دارد، و با مراجعه به تفاسیر و شان نزول آیات؛ این
مطلب معلوم می گردد.

علاوه بر این؛ مضمون آیه گواهی می دهد که این
آیه در مدینه نازل شده است زیرا پیامبر اکرم در مکه
چندان امکاناتی نداشت که حق خوبش او را مستمند
و در راه مانده را پردازد و به نقل مفسران نه تنها این
آیه که بیست و ششمین آیه این سوره است در مکه نازل
شده است بلکه آیه های ۳۲ و ۳۳ و ۵۷ و ۷۳ تا آیه ۱۱
نیز در مدینه نازل شده اند (۳) از این جهت مکی
بودن سوره تضادی با نزول آیه در مدینه ندارد.

۱- سیره حلبی ج ۳ ص ۴۰۰

۲- تفسیر عیاشی ج ۲ ص ۲۸۷

۳- الدر المنثور ج ۴ ص ۱۷۶-۱۷۷

سخنی درباره: نهج البلاغه

امام علی علیه السلام

من نهج البلاغه را در روزهای پراضطراب ما به آرامش خود یافتیم و هر بخشی از آن را می خواندم خود را در دنیای ویژه ای میدیدم (محمد عبده)



در «ابدیت» و «جاودانگی»، هرگز «بعدزمان» مطرح نیست. در ماورای زمان، در عرصه ای برتر از گذشته و کنون و آینده، «ابدیت» برای همیشه حاکم است. ابرمردی چون **امام علی (ع)** به ابدیت تعلق دارد و گذشت فزون، درجات معنوی او، مفهوم مصطلح خود را می یازد، از این رو، سخن او هم فقط سخن تاریخ سپری شده نیست، همواره سخن روز است، سخن ابدیت بی پایان و سخن حق پر فروغ است. و «**نهج البلاغه**» ای او یک میراث فرهنگی جاودانه ایست که نمی توان بر آن بهائی تعیین نمود.

اصولاً در جوامع بشری، میراث فرهنگی، گرانبها- ترین یادگاری است که «انسان» می تواند برای «انسان» باقی بگذارد، ولی بسیار دیده ایم که میراثهای

فرهنگی، ویژه یک قوم، یک ملت، یا یک نژاد بوده اند و با از بین رفتن علل و عوامل فکری و اجتماعی پیدایش آنها، از بین رفته اند. بشر بندرت وارث یک میراث فرهنگی شده است که بعزت اصالت، عمق، شمول و عمومیت اندیشه بنیانگزارش، همچنان پایدار بماند و از آن همه انسانها گردد. بسیاری از میراث های فرهنگی، بعزت فقدان این راز جاودانگی، پس از پیاپی رساندن دوره خود، تاثیر خود را هم از دست داده و بدنیای خاموشی و فراموشی رهسپار شده اند.

* * *

آری «نهج البلاغه» یک میراث فرهنگی، یک اثر انسانی جاودانه ایست که محتوای آن محدود به «مکان» نیست و «زمان» نیز نمی تواند در آن تاثیری

انسانی است، چرا که احترام به حقوق انسان و زندگی آزاد انسان، مدار بحث آنست و این بحث تا بشر هست، همیشه «سخن روز» خواهد ماند.

بدین ترتیب «نهج البلاغه» برای ابدیثا به یک میراث فرهنگی انسانی بی نظیری که همواره انسانیت برای گشایش عقده‌ها و ابهامهای زندگی، میتواند از آن بهره‌مند گردد، پایدار می‌ماند و صاحب آن، ابرمسرود تاریخ بشری، امام علی (ع) بعنوان یک انسان کاملی که هرگز نمی‌میرد، پرچمدار کاروان بشریت پیشرو بشمار میرود.

* * *

بدون تردید، امام علی (ع) زنده جاویدست که پس از گذشت چهارده قرن از مرگ جسمانی‌اش، همچنان بر دلهای آزادگان و بشردوستان راستین سراسر دنیا، حکومت دارد و کلام او، تأثیر سحرانگیز خود را هرگز از دست نمی‌دهد.

«شیخ محمد عبده» مفتی بزرگ مصر، همکار نبرد طولانی «سید جمال الدین اسدآبادی» بر ضد استعمار و استبداد، در دوره «آوارگی» خود، با نهج البلاغه آشنا شده و آنچنان مسحور بیان امام گشته است که در موقع مطالعه آن، خود را در برابر امام و با درمیدان نبرد دیده است... او در مقدمه شرحی که بر «نهج البلاغه» نوشته است درباره تأثیر بیان امام چنین می‌نویسد:

«... من بر حسب تقدیر و بطور تصادفی با کتاب نهج البلاغه آشنا گشتم و الهامی که دچار ناراحتی و تشویش و افسردگی شده و از کارهایم بازمانده بودم.

بگذارد، زیرا که «نهج البلاغه» برای یک گروه، یک ملت، یک مذهب و یک نژاد بوجود نیامده است و عمومیت محتوای آن در برگیرنده همه انسانیت است، در هر مکان و هر زمانی که باشد.

مثلاً «نهج البلاغه» خواستار و هوادار اجرای حق و عدالت درباره همه افراد بشری، مسلمان و غیر مسلمان است... اما اخ لك فی الدین، او نظیر لك فی الخلق و بهمین سبب از آن همه است و در دل همگان جاودانه مانده و خواهد ماند.

علاوه بر حق، اصالت، عمومیت محتوای «نهج-البلاغه»، بیان معجز آسای آن نیز یکی از اسرار «خود» آنست. چرا که این بیان، هرگز بخاطر سود شخصی، یا یک انگیزه مادی و یادداشتش یک حاکم بکار نرفته است، بلکه بیان و اعجاز سخن امام در «نهج البلاغه» برای خدمت به خلق - همه خاق - بکار گرفته شده است.

در نهج البلاغه، هرگز سخن از اهمیت «نیرومندان» و «ستمگران حاکم» به مان نیامده بلکه از نبرد «بینوایان» و «ستمیدگان» تمجید شده است... و هیچوقت از ارزش ثروت و پول، تعریفی نشده، بلکه از حقوق مشروع تهیدستان دفاع شده است (۱) و بطور کلی، آزادی و برادری، ثروت و فقر، عدل و ظلم، علم و جهل جنگ و صلح، نبرد حق و باطل، و لزوم پیکار ابدی در راه زندگی بهتر و جامعه‌ای برتر، برای انسانی شریف تر و نیکوتر، محور سخن امام در «نهج البلاغه» است. در واقع «نهج البلاغه» به مفهوم واقعی کلمه همواره یک کتاب روز و جاودانه‌ی-

من نهج البلاغه را وسیله آرامش یافتن و به برضی آن برداختم. من وقتی آن را مطالعه می کردم خیال می کردم که جنگهایی بوقوع می پیوندد و یا حمله‌هایی آغازگشته است! و همان وقت متوجه شدم که بلاغت را نیروئی و فصاحت را قدرتی مافوق است. و پس از این بردسیه‌ها در یافتن که قهرمان این میدان، پرچمدار پیروزمندان، امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب است. هر بخش آنرا که می خواندم، خود را در دنیای ویژه‌ای می یافتن، زیرا که با تغییر موضوع، صحنه‌ها دگرگون می شد و من خود را در عالم دیگری می یافتن ... و گاهی خود را در برابر خطیبی بزرگ می دیدم که با سخنان خود زمامداران را مورد خطاب قرار داده و به آنها راه و رسم حکومت را می آموزد و چگونگی روشهای سیاست عادلانه را تعلیم می دهد و از مملکت داری را روشن می سازد.

آری این کتابی است که «شریف رضی» از سخنان سرور ما امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب گرد آورده و آنرا نهج البلاغه نامیده است و من نامی بهتر و شایسته تر از نهج البلاغه برای آن نیافتم و هرگز هم قادر نیستم که این کتاب - بیشتر از آنچه از نامش برمی آید توصیف کنم ... (۱).

این تنها «محمد عبده» نیست که عظمت امام و نهج البلاغه اش را بساد آور می شود، بلکه سیر بوده اند و هستند شخصیت های بزرگی - از همه مداهب. ملیت ها، نژادها - که در برابر حق - که علی و کلام او است - سر تعظیم فرود آورده و به آن اعتراف کرده اند:

۱ - محمد عبده. مقدمه شرح نهج البلاغه چاپ مصر.

۲ - مقدمه شرح نهج البلاغه محمد عبده چاپ قاهره ص ۱۰

و ما در اینجا فقط به چند نمونه از این گفتارها، اشاره می کنیم :

استاد «محمد محیی الدین» استاد عربی در دانشگاه الازهر مصر، می نویسد :

«... نهج البلاغه کتابی سرشار از بلاغت و لیریز از فصاحت است چرا که سخن فصیح ترین افراد، پس از پیامبر اکرم، یعنی علی بن ابیطالب است. او با منطقی نیرومند، فلسوفی بود که بیانش سراسر حکمت بود، سخنوری بود که افسون زبانش، قلب را مسحور می ساخت. اندیشمندی بود که کتابت وحی و نبرد با شمشیر و زبان در راه دفاع از دین حق، و پیوندش با پیامبر، برای او امکاناتی بوجود آورد که برای احدی جزاویه وجود نیامد» (۲)

استاد «عبدالوهاب حمورا» استاد مسائل اسلامی دانشگاه «نواد» قاهره - ۱۹۵۱ - می نویسد:

«... نهج البلاغه شامل همه آن چیزهایی است که پژوهشگران بزرگ، اساتید اخلاق، فلاسفه، دانشمندان، پیشوایان فداهاپ، سیاستمداران پرهیزگار، میتوانند بگویند یا بنویسند. نیروی شگرف پندها، توصیه‌ها، عمق بینش، ژرفانی محتوای نهج البلاغه، بخوبی شأن می دهد که این اثر جاودانه، از اندیشه بی نظیر امام علی است ...»

«بولس سلامة» استاد و شاعر و نویسنده معروف مسیحی لبنان می نویسد:

«کتاب مشهور نهج البلاغه اثر جاودانه ایست که انسان را به شناخت اندیشه بزرگ علی بن ابی-

طالب وادارمی سازد و هیچ کتابی جز قرآن، بر آن برتری ندارد...» و «فواد افرام البستانی» استاد دانشگاه بیروت، کتاب معروف خود را چنین آغاز می کند. «... من می خواهم که این اثر خود را با برگزیده هائی از «نهج البلاغه» آغاز کنم، زیرا که نهج البلاغه، اثر بزرگترین اندیشمند جهان، علی-بن ابی طالب است.» (۱)

«جرج جرداق» نویسنده و ادیب معروف مسیحی در کتاب پر ارج خود می پرسد:

«... آیا در تاریخ مشرق زمین، هیچ به سراغ «نهج البلاغه» رفته اید؟... نهج البلاغه ای که از فکر و خیال و عاطفه، آیتی بدست می دهد که تا انسان هست و تا خیال و عاطفه و اندیشه انسانی وجود دارد، با ذوق بدیع ادبی و هنری او پیوند ناگسستی خواهد داشت.

سخنانی بهم پیوسته و هماهنگ، جوشان از درکی عمیق و بیشی ژرف، لبریز از شور و اقیقت و گرمی حقیقت، سرشار از اشتیاق تمام برای شناخت ماوراء این حقیقت سخنانی زیبا و نغز، که زیبایی موضوع و بیان، آنچنان در آن بهم آمیخته که تعیر با مدلول، و شکل، با معنی، یکی شده اند همچنانکه حرارت با آتش،

نور با خورشید، و هوا با هوا یکی هستند. ا. و بشر در قبال آن، چیزی جز بمثابه موجودی که در برابر سیل خروشان و دریای پر موج؛ و طوفان سرکش یا گرد باد تند قرار گرفته باشد، نمی تواند بشمار آید...

نهج البلاغه ای که بیان آن اگر برای انتقاد بکار برده شود، گوئی تند باد خروشان است و اگر تباهی و فساد را مورد تهدید قرار دهد، همچون آتش فشانی مهمناک زبانه میکشد و اگر برای تفکر و اندیشه بخواند؛ حس و عقل را همراه می سازد، و اگر در مقام پند و اندرز باشد، مهر و عاطفه پدری را همگام با راستی و وفای انسانی در آن خواهید یافت و اگر برای شما از ارزش هستی و زیباییهای آفرینش و کمالات جهان هستی سخن گوید، آنها را با مدادی آغشته به نور ستارگان در قلب شما می نگارد. ا. نهج البلاغه، بیانی است راست تر از هر رسا و پاره ای است از یک تنزیل. ا. و پیوند ناگسستی با اصول ادب انسانی دارد، و تا آنجا اوج می گیرد که در پاره آن گفته اند: «بیانیست فروتر از کلام خداوند، و فراتر از گفتار بشری...» (۲)

بقیه دارد

۱- نظریات فوق از مقدمه ترجمه نهج البلاغه بزبان انگلیسی- چاپ پاکستان، ترجمه و نقل شد
 ۲- کتاب «امام علی صدای عدالت انسانی» بقلم جرج جرداق نویسنده شهیر مسیحی. ترجمه کامل این کتاب توسط نویسنده در دو هزار صفحه در آینده نزدیک منتشر خواهد شد.